

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن  
۱۶ نومبر ۲۰۲۲

## به کدام سو می رویم؟



در سطوح دولتی همچنان در حد نیازهای دولتی این کشورها لابلای مناسبات دیپلماتیک و منافع اقتصادی شان، فریادهای پر درد مردم کشورمان گم میشود. فریبکاری در گفتگوها و پنهانکاری و مماشات در عمل چکیده اقدامات این دول است. مکرون دو ماه پیش با رئیسی



جلاد دست میدهد و دو ماه بعد پذیرای گروهی از زنان معترض میشود. دولتیان آمریکا خود را در کنار مردم معترض در ایران معرفی میکنند و همزمان پذیرای کنفترین و جنایتکارترین نماینده های جمهوری اسلامی در نیویورک میشوند. اتحادیه اروپا تعدادی از مسئولین جمهوری اسلامی را تحریم میکنند که ۴ نفرشان بازداشت کنندگان مهسا (ژینا) امینی بوده اند. ۴ نفر که حتی شاید پایشان هم به مرزها نرسیده و مزدور صفر کیلومتر رژیم هستند و این تحریم خم ابروی آنها را هم جابجا نمیکند

\*\*\*

دو ماه از خیزش انقلابی مردم ایران میگذرد. هر روزه اخبار و گزارشات آنرا میخوانیم و می بینیم و احوالمان هم تغییر میکند، گاه از غم و همدردی و گاه از سر شادی و امید. تلاش برای ارزیابی صحیح از موقعیت جنبش انقلابی جاری از مهمترین وظایف نیروهای انقلابی و سوسیالیست است. وقتی از نیروهای سوسیالیست صحبت میکنم قطعا مابازاء آن در داخل کشور و بویژه در جنبش دانشجویی را منظور دارم. جنبشی دانشجویی که مثل تمامی انقلابات در جهان همواره مغز متفکر و صدا و فریاد انقلاب و مردم خود بوده است و نه نیروهایی که در خارج از کشور و در نیمه راه جنبش انقلابی جاری که هنوز یا پنجه به فرق سر می کشند که چه باید کرد؟ و یا تازه و در نیمه راه سرنگونی محتمل رژیم بجای مشارکت و اقدامات مشترک در حد بضاعت خود، به فکر هم اندیشی می افتند؟

شاهدیم که مسیر حرکت تحولات جاری خارج از اراده همه ما بسوی گسترش و سرنگونی هیولای وحشت و جنایت حاکم پیشروی میکند. قطعا و بوضوح می بینیم که جنبش دانشجویی پیشگام و نقطه عطف این مبارزات است. در فقدان اعتصابات کارگری و کارمندی این جنبش دانشجویی و متفکران آن هستند که عیار فکری این مسیر را تعیین میکنند و تا کنون و بخوبی این مهم را پیش برده اند. آنزمان که این جنبش با شعار اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا

بمیدان آمدند بسیاری این شعار را مزاح دانستند و به آن باور نداشتند. امروزه میزان آگاهی طراحان آن را بوضوح میتوانیم قضاوت کنیم و این گام را پشت سر گذاشته ایم.

جنبش دانشجویی جاری پس انقلاب ضد فرهنگی جمهوری اسلامی تا کنون هیچگاه در حد و اندازه های کنونی ظاهر نشده بود. این جنبش حتی در مقطع ۱۳۸۸ و تحت نام دفتر تحکیم وحدت با این قدرت ظاهر نشده بود. آنچه این جنبش را از سایر مقاطع تاریخی اش تفکیک میکند همانا گستردگی و تداوم آن و همراهی اساتید دانشگاهها با آن میباشد و این روزها هر یک از گامهای بعدی این خیزش انقلابی توسط آنها تعیین میشود. عبور از خواسته های موضعی و سرایت این خواسته ها به مطالبات عمومی تر و عبور از کلیت مناسبات حاکم با طرح شعارهای همگانی از اقداماتی است که این جنبش پرچمدار آنها هست و با داده های کنونی خواهد بود.

پیش از این هم نوشتم که علیرغم آرزوهای ما سوسیالیستها مسیر تحولات سیاسی در مرحله کنونی بسوی مطالبه آزادی و دموکراسی است. خواست و طرح برابری چنانچه آنرا خیزی برای شکوفائی نطفه های سوسیالیسم بدانیم، هنوز فراگیر نشده است. متأسفانه جنبش کارگری هنوز آماده زدن مهر خود بر این جنبش نیست و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در کشورمان این امکان را تا کنون و به دلائل متعدد در اختیار جنبش کارگری قرار نداده است. غیبت بزرگ جنبش کارگری در تحولات کنونی را میتوان در تاریخچه جنبش کارگری و نبود تشکلهای سراسری آن ارزیابی کرد. همچنین هم اکنون بوضوح می بینیم که شکافی محسوس در میان نسل ها موجود است. نسل جوان حاضر در صحنه آگاهانه تمایل دارد تا سرنوشت خود را بدست نسلهای قدیمی تر و تشکلهای احزاب قدیمی ندهد. بی تردید نیروهای سوسیالیست در جنبش دانشجویی قدرت میگیرند و خود را می آریند و با شعارهایی از جمله: فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم، و یا: فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی حضور مستقل خود را پررنگ تر می کنند.

دانشجویان تا کنون آگاهانه و نه خودبخودی اعلام کرده اند که برای ایفای نقش تاریخی خود به احزاب و سازمانهای سیاسی از نسل های پیشین نیازی ندارند و خود قادرند تا پیشگام مبارزات جاری باشند. طبیعی است که دفتر خواستها و مطالبات صنفی آنان هنوز باز است اما میدانند که برای دستیابی به آنها گذر از کلیت نظام ضروری است. در این ماجرا ولی این جنبش، بلوغی سیاسی و روان شناسانه دارد و گام بگام و متکی بر سطح مبارزات جاری قدم های سنجیده بر میدارد. فریاد بلند دانشجوی زندانی آزاد باید گردد قطعا و بزودی با شعار عمومی زندانی سیاسی و عقیدتی آزاد باید گردد همراه خواهد شد و زمینه های طرح همگانی آن با سرازیر شدن سیل حمایتی مردمی بسوی بیمارستان دی و برای حمایت از پدر و مادر حسین رونقی در حال شکل گیری است.

هنوز طیفی گسترده از شهروندان و بویژه در شهرهای بزرگ کشور خانه نشین هستند و محافظه کار و این نکته را در بسیاری از شعارهای انقلابیون در صحنه می بینیم. درخواست حمایت انقلابیون از تماشاگران و یا خانه نشینان نشاندهنده آن است که سطح مبارزات مردم کشورمان علیرغم خصلت سراسری اش و گستردگی آن اما هنوز به مراحل نهایی آن نرسیده است. در حقیقت امر جذب این طیف که به لایه خاکستری شهره است به این اعتراضات میتواند به ضربه نهایی بر پیکره فرسوده رژیم بیانجامد و به اعتقاد بسیاری هنوز از این مطالبه عمومی و نهایی فاصله داریم.

شاهدیم که تابوها شکسته میشود. عقب نشینی های ناگفته، پنهان و آشکار حاکمان در زمینه های اجتماعی آغاز میشود. زنجیره های همبستگی در میان طیفهای اجتماعی محکم تر میشود. کنش مردمی حرف اول را میزند. نظام استبدادی حاکم چاره ای جز واکنش در برابر ابتکارات جنبش ندارد و به عجز آمده است. این جنبش ضمن تداوم مسیر تاریخ ساز خود از فاز ترس و وحشت از نیروهای سرکوب گذشته است.

همبستگی بین المللی ظاهرا در تبلیغات عمومی در عرصه جهانی به اوج خود نزدیک میشود. نکته ایست قابل تامل. آنچه در سطوح مردمی آن میتوان دید همدلی بسیار گسترده است اما با نگاهی دقیقتر میتوان دید که در سطوح دولتی همچنان در حد نیازهای دولتی این کشورها لابلای مناسبات دیپلماتیک و منافع اقتصادی شان، فریادهای پر درد مردم کشورمان گم میشود. فریبکاری در گفتگوها و پنهانکاری و مماشات در عمل چکیده اقدامات این دول است. مکرون دو ماه پیش با رئیسی جلاد دست میدهد و دو ماه بعد پذیرای گروهی از زنان معترض میشود. دولتیان آمریکا خود را در کنار مردم معترض در ایران معرفی میکنند و همزمان پذیرای کثیفترین و جنایتکارترین نماینده های جمهوری اسلامی در نیویورک میشوند. اتحادیه اروپا تعدادی از مسئولین جمهوری اسلامی را تحریم میکنند که ۴ نفرشان بازداشت کنندگان مهسا (ژینا) امینی بوده اند. ۴ نفر که حتی شاید پایشان هم به مرزها نرسیده و مزدور صفر کیلومتر رژیم هستند و این تحریم خم ابروی آنها را هم جابجا نمیکند.

مجموعه مولفه های موجود نشان از تداوم خیزش انقلابی است و با نگاهی به شعار فقر، فساد، گرونی – میریم تا سرنگونی میتوان مسیر حرکت این امواج را دریافت و پی برد که تاریخ انقراض این امپراتوری خونین و جنایتکار اسلامی سر رسیده است. قطعاً شعار زندانی سیاسی و عقیدتی، مدنی آزاد باید گردد در آینده ای نزدیک در هر کوی و برزنی طنین می افکند.

۲۰۲۲/۱۱/۱۴